

یادداشت

همبستگی اجتماعی در آذربایجان غربی



محمدعلی خالقی نژاد

فعال رسانه‌ای

وفاق ملی و همبستگی اجتماعی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار و انسجام یک جامعه تلقی می‌شود. زیرا وفاق مانند هر کنش اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بر بنیاد اصول و قواعدی مشخص استوار است که بدون توافق قلبی و اشتراک نظر قطعی جمعیت متکثر آذربایجان غربی که مشتمل بر اقوام گوناگون و مذاهب مختلف است سخن گفتن از وفاق نوعی عوام فریبی و مغالطه محسوب می‌شود. وفاق یک اصل اخلاقی از جنس حکمت عملی به معنی بکارگیری افعال ارادی آدمی دارای ملکات انسانی برای دستیابی به قوانین کلی توسعه و ترقی است. برای نیل به این هدف باید بدون استثنا همه انسان‌ها حق برابر داشته باشند و تفاوتشان فقط بر اساس میزان مهارت و توانایی‌های فنی و تخصصی و قابلیت‌های علمی و عملی آنها باشد. بدیهی است وقتی سخنرانان و علمای دینی در تبلیغ و تبیین وحدت اسلامی، به‌عنوان وفاق اجتماعی و سیاسی فقط تقریب مذاهب اسلامی را عنوان و تبیین می‌کنند طبیعی است که پیروان سایر ادیان مانند آشوری‌ها و ارمنه و اهل حق و حتی در میان مذاهب اسلامی مردم را به شیعه و سنی و در میان اهل تشیع انسان‌ها را به خودی و غیرخودی تقسیم بندی می‌کنند، عملاً بر مقوله وفاق به‌عنوان عامل وحدت و حق برابر و حقوق شهروندی میان انسان‌ها شرط بطلان می‌کشند. به همین دلیل اغلب کنفرانس‌های وحدت اسلامی در حد یک آیین دولت خواسته باقی می‌ماند. به تدریج در استان‌هایی مانند آذربایجان غربی به کاهش اعتماد عمومی به دولت‌ها می‌انجامد و از عوارض بارز عدم وحدت اسلامی میان اقوام و طوایف متعصبانه پانترکیسم و پانکردیسم در استان است. آذربایجان غربی از لحاظ استراتژیکی یکی از استان‌های مرزی با داشتن چهار کریدور از پنج کریدور بین‌المللی و پنج پایانه از ۲۳ پایانه ترانزیت کالا و مسافر یکی از مهم‌ترین استراتژیک‌ترین استان‌های شمالغرب به‌شمار می‌رود که ایران را از طریق مرزهای زمینی، بازرگان و زنگرور به اروپا متصل می‌کند. در تمامی دنیا وجود قومیت‌ها و مذاهب با زبان و فرهنگ مختلف رنگین‌گمانی از سرمایه‌های ملی و فرهنگی هر کشور به‌شمار می‌روند که کشور ایران یکی از آنهاست. در گذشته ارومیه را به دلیل همزیستی مسالمت‌آمیز مردمان و احترام متقابل به افکار و عقاید همدیگر و عدم بروز هرگونه تنش قومی و مذهبی، پاریس ایران نامیده می‌شد. با گذشت ۴۵ سال از انقلاب اسلامی، علما و مشاهیر و روشنفکران این سنت بر این باور هستند که وقتی قدرت سیاسی در اختیار یک جریان باشد این نگرانی وجود دارد که مذاهب و ادیان دیگر از قدرت و اعتبار دور شوند و در صورت عدم مشارکت همه مذاهب و اقوام رسیدن به دمکراسی و پیشرفت که رسالت همه مردم با هر دین و زبانی است، اگر نگوئیم ناممکن، بسیار دشوار می‌شود. اگر بپذیریم همه اقدامات انجام یافته در مناطق مختلف استان به‌منظور ارتقای بهره‌وری اهالی استان است باید رفا و رضایت و شادی و امید به آینده در وجود مردم استان موج بزند. برای مثال احداث جاده میان‌گذر دریاچه ارومیه که یکی از افتخارات مسئولین در سطح ملی و استانی است که مسافرت از ارومیه به تبریز را چند دقیقه سرعت بخشیده و هزینه هنگفتی هم در بر داشته و صدور مجوز چند هزار جاده در اطراف دریاچه و یا تغییر کاربری اراضی در کنار خشکسالی‌های پیاپی باعث خشک شدن دریاچه و سدسازی‌های بی‌رویه که موجب انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری شده و عملاً زندگی سه میلیون نفر از اهالی پیرامون دریاچه مختل نموده، آیا با اقدامات بازرگانی و اعتراض رضایت و شادی و رفاه و بهره‌وری را می‌توان در جسم و جان مردم دید؟ از طرفی همه اقتصاددانان معتقدند نرخ تورم بین ۳ تا ۱۰ درصد آسیب‌زا است زیرا سرعت آن بیش از درآمد نیروی کار است و بدیهی است تورم بالاتر از ۱۰ درصد به‌عنوان تورم شتابان خیلی بدتر از فقر شدید است زیرا ساختارهای اقتصادی و اجتماعی را تخریب می‌کند و اعتماد عمومی مردم را نسبت به دولت‌ها از بین می‌برد. مع‌الوصف ایران بیش از چهار دهه است تورم در رقمی تاریخی با افزایش و اعتراض مخرب این تورم در استان آذربایجان غربی مستثنی نیست. زیرا اگر بگوئیم مسکن در ارومیه گران‌تر از تهران است سخنی به‌گزار نگفته‌ام و نرخ بیکاری در استان همواره بین ۵- ۱۳ درصد بوده و به‌طور قطع درصد بیکاران بیشتر از استان است و به همین دلیل گفته‌اند: «لا معاش له، لا معاد له.» از طرفی بی‌شک اشتراک مکانی موجب یکپارچگی و وحدت نمی‌شود و با اینکه هم‌زبانی شرط مهم و الزم برای وفاق و همبستگی و وحدت ملی است، اما شرط کافی نیست. در ایران باینکه اصل ۱۵ قانون اساسی خواندن و نوشتن و آموزش به زبان مادری را به رسمیت شناخته‌اند اما بعد از ۴۵ سال از عمر انقلاب اسلامی و تغییر نسل‌ها همچنان این اصل از قانون اساسی، اصل بر زمین مانده تلقی می‌گردد. بدیهی است همچنانکه تنوع زبانی در امر آموزش و گویش در هیچ نقطه از دنیا به وحدت ملی آسیب نزده قطعاً در ایران به‌ویژه استان‌های چندزبانه موجب افزایش عرق ملی و پیشرفت فرهنگی می‌گردد. تأمین امنیت مرزها یکی از موضوعات مهم و کاربردی در جغرافیای سیاسی هر کشوری محسوب می‌شود. زیرا اغلب نقاط ضعف و قوت دولت مرکزی و بسیاری از فرصت‌ها و تهدیدها در بحران‌ها در مناطق مرزی خود را نشان می‌دهد. نوارهای مرزی بی‌شک از مسائل استراتژیک هر کشور هستند و بیشتر برخورد‌های دولت و ملت در آنجا آشکار می‌شود.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مذاکره

تنها گزینه باقی مانده



منتظر چرخش ترامپ باشیم

عزم دولت برای نتیجه‌گیری در مذاکرات



آرمان ملی- احسان انصاری؛ با توجه به تحولات اخیر در منطقه و جهان آینده مذاکرات هسته‌ای ایران به چه سستی خواهد رفت و آیا دولت پزشکیان می‌تواند معادلات را تغییر بدهد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش در شرایط کنونی حائز اهمیت است. چراکه این روزها اقتصاد ایران وضعیت نابسامانی دارد و با چالش‌های مختلفی مواجه است که لغو تحریم‌ها می‌تواند کمک بزرگی به حل این چالش‌ها باشد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی پور می‌گوید: «من معتقدم همچنان روزنه امید هر چند کوچک برای تعامل و رایزنی وجود دارد مشروط به اینکه اراده کافی وجود داشته باشد و خواهان رسیدن به نتیجه، به واسطه اعطاف در برخی رویکردهای گذشته باشیم. متأسفانه، در درون کشور جو سنگینی حاکم شده است که حتی برای رایزنی‌های ساده نیز

با توجه به پیام ترامپ و پیامی که توسط عمان به ایران برای ادامه مذاکرات داده شده، معادلات پیرامون مذاکرات بین ایران و کشورهای غربی و به خصوص آمریکا به چه سستی حرکت خواهد کرد؟

من معتقدم برنامه اروپایی‌ها این است که در نشست بعدی شورای حکام یک قطعنامه دیگر در محکومیت صادر کنند و در پی آن بر اساس پاراگراف‌های ۲۶ و ۳۷ برجام سازوکار حل اختلاف را فعال کنند. این سازوکار یک فرآیند پیچیده و زمان‌بر است که طی کردن فرآیند آن از زمان برقراری نخستین جلسه کمیسیون مشترک برجام تا زمان ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد، ممکن است بین دو تا چهار ماه زمان لازم باشد. نهایتاً اگر شکایت در فرآیند تصمیم‌گیری کشورهای عضو برجام به نتیجه نرسد، قطعنامه پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون نیاز به رای‌گیری مجدداً علیه ایران جاری می‌شود. درست است که نامه سه کشور اروپایی الزاماً به معنای آغاز فرآیند حل اختلاف پیش‌بینی شده در برجام که به بازگشت ۶ قطعنامه سازمان ملل متحد علیه ایران تحت فصل هفتم منشور ملل متحد منجر می‌شود، نیست، اما همان‌گونه که روی این‌ها خودروها نوشته می‌شود «اجسام از آنچه به نظر می‌رسد، به شما نزدیک‌تر هستند». این قطعنامه‌ها هم از آنچه در برخی تحلیل‌های رسمی منتشر می‌شود، به ایران نزدیک‌تر هستند. آن‌گونه که رسانه‌های خارجی اعلام کرده‌اند، ایران اخیراً امکانات بیشتری را برای بازرسی در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌خصوص در تاسیسات غنی‌سازی فردو قرار داده است. اگرچه اروپایی‌ها از روند افزایش تولید اورانیوم غنی‌شده در سطحی که ایران اعلام کرده بود، ناراضی بودند، ادامه این روند بعد از قطعنامه شورای حکام، به حساسیت‌ها دامن زد، اما در همین وضعیت هم می‌توان گفت همکاری بیشتر ایران با آژانس بهانه‌های اروپایی‌های طرف برجام را برای ارسال پرونده به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از بین می‌برد. البته باور من این است که برنامه هسته‌ای با همه افت و خیزهایی که داشته و هنوز هم دارد، برای اروپایی‌ها بهانه است. اروپایی‌ها این موضوع را بهانه قرار داده‌اند و فشار وارد می‌کنند. من معتقدم بخش اعظم مشکلات ما با اروپایی‌ها ادعای واگذاری سلاح‌های ایرانی به روسیه، به‌ویژه ادعای ارسال موشک‌های ایرانی به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین است. در حالی که ایران پیوسته این موضوع را انکار کرده اما اروپایی‌ها همچنان بر ادعای خود ایستاده‌اند.

دولت پزشکیان چقدر می‌تواند نسبت به دغدغه‌های کشورهای اروپایی انتطاف نشان بدهد؟

در دولت عزم و اراده کافی برای رسیدن به توافق برای حل و فصل مسائل با غرب و جلوگیری از کسب وارد کردن مکانیسم حل اختلاف وجود دارد، اما شرایط متأسفانه مساعد نیست. در حال حاضر مشکل طرف‌های اروپایی مسائل دیگری است که باعث شده از ابزارهای پیش‌بینی شده در برجام و موضوع هسته‌ای برای فشار به ایران برای حل آن مشکلات استفاده کنند. در دورانی که آمریکا از برجام خارج شد، اروپایی‌ها در برجام باقی ماندند و حتی به ایران وعده دادند که مسائل ناشی از خروج آمریکا از برجام را جبران خواهند کرد، اما هم‌زمان مالی آمریکا باعث شد که در عمل وعده‌های اروپایی‌ها ناموفق باشد. البته شرایط امروز ایران زمان متفاوت است و در حال حاضر پیش از آنکه با آمریکا اختلاف داشته باشیم، با اروپایی‌ها اختلاف داریم. در چنین شرایطی اگر ما بتوانیم اختلاف‌مان را با اروپایی‌ها حل کنیم، گام مهمی رو به جلو خواهد بود. تمام تلاش ما باید در این جهت باشد که از ایجاد اتحادهای مخالفان کشورمان جلوگیری کنیم، اما با استمرار جنگ اوکراین، حمایت غرب از اسرائیل در جنگ غزه و روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، نظر دولت‌های غربی در حال نزدیک‌تر شدن به یکدیگر است. متأسفانه در داخل کشور جریان‌هایی وجود دارند که معتقدند تفاوتی میان شرایط کنونی که تحریم‌های یکجانبه آمریکا، شرایط سختی را برای

فضا سازی منفی می‌شود. به نظر می‌رسد شرایط به‌گونه‌ای است که غیر از مذاکره، راه حل آسان دیگری وجود ندارد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد تنش‌ها افزایش خواهد یافت. شخصاً امیدوارم که به سمت راه حل‌های جدیدی برویم و این راه حل‌ها اجزایی شود. چراکه این روزها اقتصاد ایران احتمالی را در نظر بگیرد و قبل از هر چیزی باید تکلیف خود را با آمریکا روشن کند. در این زمینه لازم است افرادی را که تفکرات آخرالزمانی را وارد معادلات سیاسی می‌کنند، مهار کرد و اجازه نداد که فضا را به سمت درگیری بکشانند. این افراد معتقدند که جنگ حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و از این رویه هیچ وجه‌قادر به درک اهمیت گفت‌وگو نیستند، اما نزدیک نیست که در مواقعی لازم است راه‌گفت‌وگو و مذاکره را در پیش بگیریم و مسائل مورد اختلاف را در چارچوب دیپلماتیک حل کنیم.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بحران‌هایی مشابه افغانستان و عراق، سیاست ایجاد ناراضی‌تباری را در ایران به‌کار بگیرند. تمام تلاش خود را به‌کار بردند، اما نتیجه چیزی که انتظار داشتند نشد. بنابراین اگر کابینه و دولت دوم ترامپ بخواهد دوباره سیاست فشار حداکثری را علیه ایران اعمال کند، احتمالاً بازمه این سیاست برای ایجاد ناراضی‌تباری و بهره‌برداری از آن و تضعیف برنامه هسته‌ای کشور به شکست خواهد انجامید. زیرا پس از خروج آمریکا از برجام، برنامه هسته‌ای ایران در راستای اعمال این سیاست نه تنها متوقف نشد، بلکه غنی‌سازی اورانیوم از ۳/۶۷ درصد دوره برجام به ۲۰ درصد و سپس به ۶۰ درصد رسید. هم‌زمان سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای که دایر شده‌اند، چندین برابر سانتریفیوژهای قبلی قدرت غنی‌سازی دارند و سرعت آنها افزایش یافته است. به نظر می‌رسد در دولت دوم ترامپ سیاست موسوم به فشار حداکثری به شکل متفاوتی اجرا خواهد شد. به نظر می‌رسد که سیاست‌های گونه‌های طراحی شده‌اند که این بار به جای سرمایه‌گذاری روی مخالفت‌های داخلی در ایران که البته مشخص نیست آیا این سیاست موفق‌کنار گذاشته شده یا به‌طور کلی متوقف شده است، سعی می‌کنند روی نیروهای متحد ایران در منطقه متمرکز شوند. به عبارتی دیگر، آمریکا و اسرائیل سعی کرده‌اند از طریق وارد آوردن ضربه به حماس در غزه، حزب‌الله در سوریه و سقوط دولت اسد در سوریه، قدرت منطقه‌ای ایران را کاهش دهند. به نظر می‌رسد اکنون نیز نوبت عراق است. ملاقات آنتونی بلینکن و محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق در راستای این هدف قابل تبیین است. گفته می‌شود واشنگتن به عراق هشدار داده که تحرکاتی علیه اسرائیل نداشته باشد. به ادعای رسانه‌ها به نظر می‌رسد بلینکن توانسته السودانی را قانع کند، از همین رو به عراق این اختیار داده شده تا در برابر داعش در صورت ظهور دوباره بایستد اما رویاروی تل‌آویو قرار نگیرد. از این رو تمام توان خود را روی یمن متمرکز کرده‌اند تا بتوانند یمن را به شکل دلخواه خود درآوردند و این کشور را از رویارویی با رژیم صهیونیستی بازدارند و در کنار حملاتی که به یمن می‌شود، هنوز دقیقاً روشن نیست که چه برنامه‌ای برای یمن طراحی شده است.

در چنین شرایطی آیا می‌توان به نتیجه رسیدن مذاکرات خوشبین بود؟

من معتقدم همچنان روزنه امید هر چند کوچک برای تعامل و رایزنی وجود دارد مشروط به اینکه اراده کافی وجود داشته باشد و به واقع خواهان تجدید نظر در رویکردهای خود باشیم. متأسفانه، در درون کشور جو سنگینی حاکم شده است که حتی برای رایزنی‌های ساده نیز فضا سازی منفی می‌شود. به نظر می‌رسد شرایط به‌گونه‌ای است که غیر از مذاکره، راه حل آسان دیگری وجود ندارد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد تنش‌ها افزایش خواهد یافت. شخصاً امیدوارم که به سمت راه حل‌های جدیدی برویم و این راه حل‌ها اجزایی شود. ایران باید همه سناریوهای احتمالی را در نظر بگیرد و قبل از هر چیزی باید تکلیف خود را با آمریکا روشن کند. در این زمینه لازم است افرادی را که تفکرات آخرالزمانی را وارد معادلات سیاسی می‌کنند، مهار کرد و اجازه نداد که فضا را به سمت درگیری بکشانند. این افراد معتقدند که جنگ حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و از این رویه هیچ وجه‌قادر به درک اهمیت گفت‌وگو نیستند، اما نزدیک نیست که در مواقعی لازم است راه‌گفت‌وگو و مذاکره را در پیش بگیریم و مسائل مورد اختلاف را در چارچوب دیپلماتیک حل کنیم. به اعتقاد من، مسیر دیپلماتی بسته نیست و می‌توان از طریق گفت‌وگو و مذاکره، راه حل‌های جدیدی را با دولت ترامپ مورد بررسی قرار داد، اما هم‌زمان با اقدامات خصمانه اخیر اتحادیه اروپا در قبال ایران نیز روبه‌رو هستیم. نامه اخیر تروئیکا اروپا به شورای امنیت در راستای فعال‌سازی مکانیسم ماشه یک هشدار است. معنای نامه این است که ما آماده‌ایم تا در صورت لزوم، اقداماتی انجام دهیم. هر چند فعال‌سازی این مکانیسم فرآیندی دارد که زمان آن نرسیده است.

لازم است افرادی را که تفکرات آخرالزمانی را وارد معادلات سیاسی می‌کنند، مهار کرد و اجازه نداد که فضا را به سمت درگیری بکشانند. این افراد معتقدند که جنگ حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و از این رو به هیچ وجه‌قادر به درک اهمیت گفت‌وگو نیستند

ایران ایجاد کرده، با بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود ندارد. موضوع این است که تحریم‌های آمریکا به لحاظ حقوقی و بین‌المللی مشروعیت ندارد، بلکه از طریق قهری به ایران و کشورهای دیگر تحمیل شده است. بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد به معنای مشروعیت دادن به تحریم‌های بین‌المللی است و به لحاظ حقوقی و قانونی کشورهای جهان مجبور به رعایت آن هستند. شرایط به‌گونه‌ای پیش می‌رود که می‌توان حرکت اروپایی‌ها را پیش‌بینی کرد. به نظر می‌رسد اروپایی‌ها برای آغاز فرآیند بازگشت قطعنامه‌های تحریمی گام‌های لازم را برخواهند داشت، مگر اینکه گام‌های جدی

در دولت عزم و اراده کافی برای رسیدن به توافق برای حل و فصل مسائل با غرب و جلوگیری از کسب خوردن مکانیسم حل اختلاف وجود دارد، اما شرایط متأسفانه مساعد نیست

اگر ما بتوانیم اختلاف‌مان را با اروپایی‌ها حل کنیم، گام مهمی رو به جلو خواهد بود. تمام تلاش ما باید در این جهت باشد که از ایجاد اتحادهای مخالفان کشورمان جلوگیری کنیم

آیا رویکردی که ترامپ نسبت به ایران دارد و شرایط داخلی کشور اجازه می‌دهد که چنین گفت‌وگویی بین ایران و ترامپ شکل بگیرد؟

ترامپ در دولت اول خود به همراهی مایک پمپئو، وزیر خارجه وقت، طرحی را دنبال می‌کرد که هدفش از اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، ایجاد ناراضی‌تباری در داخل کشور بود. تیم اول ترامپ این‌گونه نشان می‌داد که هدف آنها ایجاد تغییر در سیاست‌های ایران است، اما نمی‌توان متکرر شد که آنها هدفی فراتر از تغییر سیاست‌ها را دنبال می‌کردند. هدف آنها سرنگونی نظام ایران بود. این طرح بر این اصل بنا شده بود که به جای هزینه‌های میلیارد دلاری و ایجاد

پنجشنبه

۱۳۰۱۰۳

۱۴۰۳

۲۰ ژوئیه ۲۰۲۵

سال پنجم

شماره ۲۰۱۲

armanmeli.ir

خبر

مقام معظم رهبری:

پایگاه‌های آمریکادر سوریه زیر پای جوانان سوریه لگدمال خواهد شد

ادامه از صفحه ۲ / حضرت آیت‌ا...
خامن‌های در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به مقوله مهم دفاع از حرم که خون‌های پاک‌ی به پای آن ریخته شده، گفتند: عده‌ای از روی «فقدان فهم و شناخت و تحلیل درست» از مسائل، اینگونه تصور و بیان می‌کنند که با وقوع حوادث اخیر منطقه، خون‌های ریخته شده در راه دفاع از حرم، هدر رفته که این تصور و بیان آن، خطا و اشتباهی بزرگ است؛ چراکه اگر مبارزه شجاعانه حاج قاسم و مدافعان حرم نبود امروز خبری از اعتبار مقدسه چه زینبیه و چه حتی کربلا و نجف نبود. ایشان گفتند: در دوره‌ای، قدری در سامرا غفلت شد و تکفیری‌ها به کمک آمریکا گنبد و ضریح امامان عسگریین را ویران کردند و اگر جان برکفی جوانان مؤمن نبود، سایر اعتبار مقدسه و قبیله‌های دل‌مسلمانان نیز به همان سرنوشت اندوهبار دچار می‌شد اما مدافعان عزیز و سرافراز حرم جلوی دشمن را گرفتند و به او تودهنی زدند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای حقیقت دفاع از حرم را علاوه بر دفاع از مکانی مقدس، دفاع از صاحب آن مکان و مکتب امامان بزرگوار خواندند و گفتند: در فرهنگ قرآنی هر خونی که هر جا در راه حق و خدا ریخته شود حتی اگر پیروزی حاصل نشود، هدر نمی‌رود و نزد پرورگار با ارزش است؛ همچنانکه خون جناب حمزه در جنگ احد و بالاتر از همه خون حضرت سیدالشهدا (ع) در کربلا هدر نرفت. ایشان تأکید کردند: البته پیروزی هم قطعی است و نباید به این جوله و تحرک کنونی باطل نگاه کرد؛ چرا که اینها که امروز جلوان می‌دهند روزی زیر پای مؤمنین لگدمال خواهند شد. مقام معظم رهبری حوادث سال‌های اخیر و فعالیت‌های نمایان شهید سلیمانی و یاران او از جمله حرکت دفاع از حرم را نشانه سرزندگی، طراوت و ثمربخشی شجره طیبه انقلاب خواندند و گفتند: همچنانکه در دهه ۶۰، جوانان برای جلب رضایت والدین و رفتن به جبهه‌های جنگ به پای آنها می‌افتادند، در دهه ۸۰ و ۹۰ نیز جوانانی همچون شهید حججی پای مادر را برای کسب اجازه جهاد می‌بوسیدند که اینها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با اشاره به آمادگی میلیون‌ها جوان ایرانی برای فدا کردن جان خود در راه دفاع از اسلام، گفتند: مدافعان حرم نشان دادند که با وجود سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های سنگین بدخواهان، پرچم مقاومت همچنان در اهتزاز است و دشمن نتوانسته و نخواهد توانست پرچم مقاومت را در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و ایران پایین بکشد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، حفظ عوامل اقتدار را برای استمرار ایستادگی و اقتدار ملی هر کشوری ضروری دانستند و گفتند: مجموعه جوانان مؤمن و آماده فداکاری، مهم‌ترین عوامل ثبات و اقتدار یک کشورند و نباید چنین جوانانی را از صحنه خارج کرد. مقام معظم رهبری افزودند: البته در کشور ما این موضوع تا حد زیادی مورد توجه است اما کشورهای دیگر هم باید به آن توجه کنند؛ چرا که با خروج جوانان مؤمن و فداکار از عرصه، وضعیت مشابه سوریه و هرج و مرج و اشغال خاک آن در حمله بیگانه‌گانی همچون آمریکا، رژیم صهیونیستی و بعضی کشورهای متعزز دیگر، ایجاد خواهد شد. ایشان استمرار حضور اشغالگران متجاوز در سوریه را ناممکن دانستند و گفتند: سوریه متعلق به مردم سوریه است و متعززان به خاک سوریه، بدون تردید روزی در مقابل قدرت جوانان غیور سوری مجبور به عقب‌نشینی خواهند شد. مقام معظم رهبری با اشاره به ساخت بی‌دریی پایگاه‌های آمریکایی در سوریه، گفتند: متجاوز باید از خاک متعلق به یک ملت خارج شود و گرنه او را اخراج می‌کنند؛ بنابراین پایگاه‌های آمریکایی هم حتماً در زیر لگدمال جوانان سوری پایمال خواهد شد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با تأکید بر اینکه پیروزی نهایی از آن مؤمنان است، گفتند: لبنان نماد مقاومت است و اگرچه زخم خورده اما خم نشده و در نهایت پیروز خواهد شد همچنان که یمن نیز نماد مقاومت است و پیروز خواهد بود و آن‌شاء... دشمنان متجاوز و در رأس آنها آمریکا طماع و جنایتکار مجبور خواهند شد دست از سر مردم منطقه بردارند و باذلت از منطقه خارج شوند. ایشان همچنین در ابتدای بیانات خود، ماه رجب را ماه دعا، عبادت و توسل الی... خواندند و با اشاره به ادعیه سرشار از مضامین و مفاهیم بلند الهی این ماه، افزودند: باید از فرصت رجب برای اتصال دلها، جانها و نیت‌ها به دریای بی‌کران رحمت الهی استفاده کرد و از خداوند، مهت، توان و توفیق بندگی خواست. در این دیدار، خانواده سردار سلیمانی، جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، خانواده شهدای حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان در سال گذشته، خانواده شهدای مراسم تشییع پیکر حاج قاسم سلیمانی در سال ۹۸ و شماری از خانواده مجروحان و شهدای حوادث اخیر لبنان حضور داشتند.